

کارگران جهان متحد شوید!

دبیر کمیته کردستان محمد آسنگران

Tel: ۰۰۴۹۱۶۳۵۱۱۲۰۲۵

E-mail: asangaran@aol.com

مسئول ارتباطات شهرهای کردستان عبدال گلپریان

Tel: ۴۰۵۷۵۸۲۵۰۰۰۳۴۵

E-mail: abdolgolparian@yahoo.com

www.iskraa.net

نشریه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران

منصور حکمت
www.m-hekmat.com



اساس سوسیالیسم
انسان است.
سوسیالیسم
جنبش بازگرداندن
اختیار به انسان است.

چهارشنبه ها منتشر میشود

۱ مهر ۱۳۸۸، ۲۳ سپتامبر ۲۰۰۹

منصور فرزاد - عبدال گلپریان
Iskraa_nkk@yahoo.com

ترورهای اخیر در سندج، گامی در جهت میلیتاریزه کردن کردستان

طی دو هفته گذشته پنج نفر از مرتجعین و عوامل رژیم هدف ترور قرار گرفتند. در این ترورها که از روز ۱۸ شهریور شروع شد دو تن از امام جمعه های رژیم، بنامهای برهان عالی ملای مسجد قبا و بهاران و محمد شیخ الاسلام ملای مسجد جامع در سندج به قتل رسیدند و سه نفر به اسامی حسن داوطلب دادیار مجتمع قضایی، قاضی کیانی دادیار شعبه چهارم دادگاه سندج و مهدی تخت فیروز رئیس شورای شهر سندج مورد حمله قرار گرفتند اما صفحه ۳

قطعه نامه درباره انقلاب جاری در ایران مصوب دفتر سیاسی به اتفاق آرا

سیاسی میتواند در ادامه خود با سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری و رفاه به پیروزی برسد. پیشروی و پیروزی جنبش انقلابی حاضر به فعالیت و دخالتگری حزب کمونیست کارگری ۱- جنبش توده ای که از خرداد ۱۳۸۸ شروع شد سر آغاز یک انقلاب عظیم برای سرنگونی جمهوری اسلامی است. این جنبش از نظر شرایط عینی اجتماعی و

پیام حمید تقوائی به دانشجویان بمناسبت فرا رسیدن سال تحصیلی: انقلاب شما را فرامیخواند

سال تحصیلی جدید در شرایطی کاملاً استثنائی آغاز میشود. انقلابی که از خردادماه و با دستاویز مساله انتخابات آغاز شد با قدرت ادامه دارد و هر روز عمیق تر و رادیکال تر میشود. توده بچان آمده مردم از سی سال فقر و بی حقوقی و سلطه ارتجاعی ترین قوانین مذهبی بر زندگی خود از هر فرصت و بهانه ای استفاده میکنند تا به خیابانها بریزند و ضربه دیگری بر کل حکومت جانی جمهوری اسلامی وارد آورند. و این تازه آغاز کار انقلاب است. این جنبش عظیم



مصاحبه در مورد اوضاع سیاسی کنونی در ایران از نشریه گروه برابری طلب و ضد فاشیست در آلمان

مینا احدی

اعتراضی، متفاوت است. اوضاع کنونی در ایران و اعتراضات توجه زیادی را بخود جلب کرده است. اینها دلایل محکمی است برای ما مجدداً رییس جمهور شد، موجی از اعتراضات در ایران شروع شده است. دلایل راه افتادن این جنبش بعد از مضحکه انتخاباتی در ایران، که در آن محمود احمدی نژاد رییس جمهور شد، موجی از اعتراضات در ایران شروع شده است. دلایل راه افتادن این جنبش

صفحه ۴

در صفحات دیگر:

سعید رستمی از زندان آزاد شد

صفحه ۶

فروش نغهای توقیف شده کارخانه پریس از طرف کارفرما

صفحه ۶



محمد آسنگران

به خیابان آمده و با صدای رسا اعلام کرده اند جمهوری اسلامی هیچگونه

صفحه ۳

درمورد ترورهای اخیر در سندج

در دو هفته گذشته از ۱۸ تا ۲۸ شهریور پنج نفر از مسئولین و عوامل رژیم در شهر سندج ترور شده اند. تا کنون هیچ جریان شناخته شده ای مسئولیت این ترورها را بعهد ننگرفته است. احزاب و جریانات مسلح کردستان هم مستقیم و غیر مستقیم این ترورها را کار رژیم جمهوری اسلامی دانسته اند. اینکه این ترورها کار رژیم و یا گروههای بی ریشه و غیر مسئول باشد تغییری در ماهیت مخرب آن نمیدهد. این اقدامات از جانب هر جریانی باشد در جهت ضربه زدن به مبارزات حق طلبانه مردم است. این اقدامات میتواند بهانه ای برای میلیتاریسم بیشتر رژیم اسلامی و ایجاد تفرقه و جدا کردن مبارزات مردم کردستان از مبارزات بر حق بقیه مردم ایران باشد. مردم ایران در ابعادی میلیونی

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

قطعه‌نامه درباره انقلاب

جاری در ایران

از صفحه ۱

تجمعات گسترده توده‌ای و میلیونی ابراز وجود کرد، همچنان ادامه دارد، و شرایط تعمیق و رادیکالیزه شدن و پیشرویه‌های بیشتر خود را فراهم می‌آورد. بهم ریختگی و آشفتگی صفوف حکومت، رشد تنفر و ازجار عمومی مردم در ایران و در سطح جهانی از رژیم اسلامی و تضعیف موقعیت حکومت در سطح جهانی و در رابطه با دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی همه از جمله دستاوردهای تا کنونی جنبش انقلابی حاضر است. امروز دیگر چهره جمهوری اسلامی نه با پروژه هسته‌ای و ضد آمریکائی‌گری و مستضعف‌پناهی و دخالتگری در عراق و لبنان و فلسطین و رابطه اش با دیگر نیروهای تروریست اسلامی، بلکه با کشتار مردم در خیابانها و تجاوز و شکنجه در زندانها و وحشیانه‌ترین جنایات علیه بشریت که اسناد آن در برابر چشم مردم جهان قرار دارد رقم می‌خورد. شرایط سیاسی در ایران کاملاً به نفع انقلاب و توده مردم و به ضرر حکومت اسلامی و کلیه نیروهای ضد انقلابی تغییر کرده است. برمتن این شرایط بزیر کشیدن و محاکمه و محکوم کردن جانبان حاکم، یک هدف فوری انقلاب و سکوی پیشروی آن به مراحل عالی تراست.

۳- انقلاب جاری از نظر مضمون ادامه جنبشهای اعتراضی کارگران و زنان و دانشجویان و جوانان و برآمد انفجاری جنبش سرنگونی طلبانه‌ای است که با شورش ۱۸ تیر ۷۸ آغاز شد و در ده ساله اخیر در قالب اعتصابات وسیع و هرروزه کارگری، مبارزات جوانان و دانشجویان، جنبش مداوم زنان علیه حجاب و آپارتاید جنسی - که حکومت به اسم جنبش بدحجابی مدام به آن حمله می‌کند - جنبش دفاع از حقوق کودک، شورهای متعدد شهری، جنبش علیه اعدام و علیه سنگسار، و تجمعات و اعتراضات هر ساله

بمناسبت روز جهانی کارگر و روز جهانی زن و روز دانشجو و روز جهانی کودک بروز پیدا کرد. جنبش حاضر در مضمون و از نظر مبانی عینی شکل‌گیری و خواستها و آرمانهای خود یک جنبش چپ و رادیکال با گرایش قوی برابری طلبی و آزادیخواهی کارگری است. نفس بروز و سر برآوردن این انقلاب نشانه حضور و نفوذ قدرتمند آرمانها و سیاستها و آلترناتیو چپ است که بوسیله حزب در تمام دوره فعالیتش نمایندگی و پراتیک شده است.

۴- امکان به میدان آمدن میلیونی توده‌های مردم بر سر مساله قدرت و شروع انقلاب جاری را تشدید بی‌سابقه کشاکش جناحهای حکومتی، که بنوبه خود ناشی از بالا گرفتن نارضایتی‌ها و اعتراضات مردم بود، فراهم آورد. اساس اختلاف میان جناحهای حکومتی، مانند اختلافاتی که از زمان بنی صدر تا امروز در صفوف حکومت همیشه وجود داشته است، بر سر شیوه‌های متفاوت حفظ نظام از "خطر" جنبش انقلابی مردم است. اما نزاع اخیر میان باندهای حکومتی، برخلاف دوره‌های گذشته، به چنان درجه‌ای از حدت رسیده است که دیگر چتر ولایت فقیه قادر به حفظ وحدت و انسجام صفوف حکومت نیست. این واقعیت، که از همان مناظره تلویزیونی کاندیداهای انتخاباتی بر مردم عیان شد، در واقع سوت آغاز حرکت توده‌ای مردم برای حذف کل حکومت را به صدا درآورد.

۵- جناح‌های حکومتی یکدیگر را به کودتا و انقلاب مخملی علیه هم دیگر متهم میکنند. اما این شیوه‌ها در واقع سیاستهای مختلفی است که از سوی جناحهای حکومت در برابر حرکت انقلابی و سرنگونی طلبانه مردم اتخاذ شده است. جناح خامنه‌ای - احمدی نژاد

برای درهم کوبیدن حرکت مردم سرکوب و وحشیانه و کشتار عریان را در دستور گذاشت. هدف این شیوه وحشیانه، که در سیاست ارتجاع جهانی به عملیات "شوک و بهت" معروف است، تروریزه و شوکه کردن جامعه و درهم کوبیدن مردم پیاخته با اعمال شیخ ترین کشتارها و جنایات است. جمهوری اسلامی از مدتها قبل از جمله با طرح امنیت اجتماعی و مانور ناجا خود را برای این عملیات علیه انقلاب مردم آماده می‌کرد و با برآمد جنبش توده‌ای با تمام توان جهنی خود آنرا به اجرا در آورد اما در نهایت نتوانست جامعه را مرعوب و مختنق کند و از نظر سیاسی شکست خورد.

شیوه جناح رفسنجانی - موسوی و دنباله آنها در "اپوزیسیون خودی" و رانده شده از درگاه جمهوری اسلامی در مقابله با جنبش توده‌ای مردم برای سرنگونی نظام، تلاش برای محدود کردن جنبش در چارچوب نظام، اسلامیزه کردن جنبش و در نهایت خنثی و عقیم گذاردن آنست. "موج سبز" و "جنبش سبز" و نظایر آن نامی است که ملی‌اسلامیون بر جنبش انقلابی مردم اطلاق میکنند تا آنرا در جهت تغییرات درون حکومتی دلخواه خود محدود کرده و به شکست بکشانند. این سیاست تغییرات درون حکومتی برای حفظ نظام یک بار در دروه خاتمی شکست خورده است و امروز نیز بهیچوجه قادر به کنترل و تحریف انقلاب حاضر نیست. خواست و نیاز مردم ایران نه تغییراتی در حکومت بلکه خلاصی از کل نظام جمهوری اسلامی است و با پیشرفت جنبش انقلابی جاری این ضرورت بیش از پیش و به شکل صریح تر و علنی تری در مبارزات مردم متجلی میشود.

۶- شروع انقلاب حاضر نه تنها بشارت دهنده پایان عمر جمهوری اسلامی، بلکه در عین حال در یک سطح اجتماعی اعلام شکست و بی اعتباری سیاسی و اجتماعی نسخه‌ها و پروژه‌های کل نیروهای اپوزیسیون بورژوازی، ملی‌اسلامیون و احزاب ناسیونالیست عظمت طلب و جریانات فدرالیست و قوم گرا، است. نسخه‌های

استحاله و تغییرات تدریجی، رژیم چنچ و انقلاب مخملی و بحران آفرینی در مرزها و فدرالیسم و رفراندوم و تغییر قانون اساسی و نافرمانی مدنی و غیره، عملاً و در پراتیک اجتماعی مردم به حاشیه رانده شده و بدیل انقلاب و تغییر بنیادی وضع موجود در دستور روز توده‌های بجان آمده مردم قرار می‌گیرد.

۷- روند انقلاب جاری به سرعت و بیش از پیش احزاب و نیروهای سیاسی را به دو صف نیروهای انقلابی و ضد انقلابی، نیروهای طرفدار حفظ نظام حاکم، حداکثر با تغییراتی در شکل نظام، و نیروهای خواهان سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی تقسیم میکند. این در واقع بخشی از روند پولاریزاسیون طبقاتی جامعه به دو کمپ طبقاتی کارگر و سرمایه دار است.

۸- احزاب و نیروهای سیاسی اپوزیسیون بورژوازی - نیروهای متعلق به جنبش ملی-اسلامی، جنبش ناسیونالیسم عظمت طلب ایرانی، و جریانات ناسیونالیست قومگرا - هر یک تلاش میکنند در جهت اهداف و سیاستهای خود بر جنبش انقلابی مردم تاثیر بگذارند و آنرا به انحراف و نهایتاً به شکست بکشانند. این نیروها در هراس از "خطر" انقلاب، بیش از پیش بطور مستقیم و یا غیرمستقیم در برابر جنبش انقلابی مردم و خواستههای برحق آنان قرار میگیرند. امروز نه تنها طیف وسیع نیروهای ملی-اسلامی و دو خرادایون قدیم و جدید، که پاره‌ای از تن رژیم هستند و همواره تعهد خود به حفظ نظام را اعلام داشته‌اند، بلکه نیروهای اپوزیسیون بورژوازی مدعی سرنگونی جمهوری اسلامی، مانند حزب مشروطه و سازمان مجاهدین، تا اطلاع ثانوی از همان سرنگونی طلبی نیم بند خود نیز دست شسته و در کمپ موسوی و نیروهای خط استحاله رژیم قرار گرفته‌اند.

۹- در برابر نظام حاکم و نیروهای بورژوازی مدافع آن، صف آزادیخواهی و برابری طلبی

کارگری، جنبش سکولاریستی پیگیر علیه مذهب و دخالت مذهب در دولت و قوانین و زندگی اجتماعی، خلاصی فرهنگی و مدرنیسم، و رهایی بی کم و کاست زن قرار گرفته است. این ها مولفه‌های تشکیل دهنده یک جنبش انقلابی و انسانی برای سرنگونی جمهوری اسلامی است که در چند سال اخیر با افت و خیز اما بطور مداوم در جامعه جریان داشته است.

حزب کمونیست کارگری به شهادت تمام فعالیتها و مواضع و سیاستهای خود، حزب این صف است، صف انقلاب و آزادیخواهی و برابری طلبی بی تخفیف را نمایندگی و رهبری میکند و تمام تلاش خود را بر استحکام، شفافیت و پیشروی و پیروزی این صف قرار داده است. پیروزی این جنبش انقلابی و انسانی در گرو ایفای نقش فعال حزب کمونیست کارگری است.

۱۰- شروع انقلاب در ایران در سطح جهانی اعلام پایان یکدوره سیاه در تاریخ معاصر است. دوره‌ای که ویژگی آن یکه تازی میلیتاریسم دول غربی و ارتجاعی ترین نیروهای بورژوازی غرب از تاجریسم تا ریگانیسم و بوشیسم، و سر بر آوردن جنبش ارتجاعی اسلام سیاسی و حضور نیروهای قومی-ملی-مذهبی در جوامع باقیمانده از اردوگاه بلوک شرق بود. دوره‌ای که جهان متمدن و مردم شریف دنیا در چنگال جنگ تروریستها و مدل ریاضت کشی اقتصادی مکتب شیکاگو و نسبیت فرهنگی فشرده میشد و هر حرکت اعتراضی در خاورمیانه و آفریقا و اروپای شرقی و جمهوریهایی بازمانده شوروی با پرچم قومیت و ملیت و مذهب خود را بیان میکرد. جنبش حاضر اولین حرکت انقلابی و آزادیخواهانه توده‌ای و بروز اجتماعی اعتراض جهان متمدن به دوره سیاه سی ساله اخیر در ایران و در جهان است. استقبال و ابراز حمایت پر شور نیروهای آزادیخواه و پیشرو و مردم شریف دنیا از شکل گیری انقلاب حاضر در ایران یک بروز مشخص این واقعیت است.

پیام حمید تقوائی به دانشجویان ... از صفحه ۱

ترو عمیق تر بشود.

دانشجویی از مسائل دانشجویان و دانشگاه بسیار فراتر می‌رود. دانشجویان در مبارزاتشان همواره صدای اعتراض توده مردم محروم و ستمدیده بوده‌اند. دانشگاه همیشه و بویژه در ده سال اخیر سنگر آزادی و برابری بوده است و در دل این شرایط می‌تواند و باید پرچم انقلاب برای رسیدن به آزادی و برابری را برافرازد. امسال باز شدن دانشگاهها

در این میان دانشگاه نقش پیشرو و تعیین کننده ای بعهده دارد. دانشگاه و دانشجویان همواره آماج حمله اوباشان رژیم و بازداشت و دستگیری و شکنجه بوده‌اند. و این بار نیز یورش جانبدار حاکم به توده مردم معترض با حمله به خوابگاههای دانشجویی آغاز شد، اما هدف و خواست مبارزات

باز شدن جبهه تازه‌ای در پیشاپیش صفوف مبارزه مردم برای جمع کردن بساط جمهوری اسلامی است.

دانشجویان مبارز!

رژیم هیچگاه چنین درمانده و در هم ریخته نبوده است. تمام قدرت جهانی خود علیه مردم را بکار گرفته‌اند و با اینهمه امروز این جانبدار حاکم هستند که در هراس و رعب از قدرت مردم خواب راحت ندارند. امروز حکومت مفلوک تر از همیشه و مردم مقتدر تر از همیشه

در برابر هم قرار گرفته‌اند. در این مقابله مبارزه شما دانشجویان نقش تعیین کننده ای ایفا میکند. مبارزه برای جمع کردن بساط نیروهای سرکوبگر رژیم از دانشگاهها و خیابانها، برای دستگیری و محاکمه عاملین و آمرین جنایات سه ماهه اخیر و تمام دوران حاکمیت جمهوری اسلامی، برای آزادی همه زندانیان سیاسی، برای مذهب زدانی از دولت و جامعه، برای برابری کامل زن و مرد، برای خلاصی فرهنگی و مدرنیسم، و برای درهم کوبیدن نظام جمهوری اسلامی و بر پا کردن یک

جامعه آزاد و برابر و انسانی! دانشگاه سنگر قدرتمند پیشبرد این مبارزات و شما دانشجویان نیروی محرکه آن هستید. حول سیاستها و شعارهای حزب انقلاب و آزادی و برابری، حزب کمونیست کارگری متحد و متشکل شوید! انقلاب شما را فرامی‌خواند!

حمید تقوائی، دبیر کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران
۲۷ شهریورماه ۱۳۸۸

درمورد ترورهای اخیر در سندج از صفحه ۱

از جانب خود رژیم و یا هر جریان دیگری باشد اقدامی از سر استیصال است. زیرا مردم با گسترش جنبشهای رادیکال و حرکت توده ای خود در خیابانها میدان مانور جریانات مخرب و غیر مسئول را محدود و محدودتر کرده‌اند. به همین دلیل هم وزارت اطلاعات و سپاه پاسداران و هم جریانات ماجراجو و بی ریشه تلاش میکنند در مقابل اعتراضات توده ای و خیابانی توجه جامعه را به جای دیگری برده و ضمن ایجاد تفرقه فضای بی اعتمادی در میان مردم ایجاد کنند. عاملین این ترورها روی این

مشروعیتی ندارد و باید برود. در سه دهه گذشته مبارزات مردم در کردستان برای رهایی از فقر و نابرابری در جهت و هماهنگ با مبارزات حق طلبانه مردم در سراسر ایران بوده است. اخیرا با به لرزه در آمدن پیکر رژیم اسلامی این اقدامات مخرب اساسا و در قدم اول هدفش ایجاد تفرقه و جدائی در میان مردم کردستان و بقیه شهرهای ایران است. قطعا مردم کردستان با هشیاری کامل آمران و مجریان این اقدامات را افشا و رسوا خواهند کرد. این اقدامات تروریستی اقدامی

تحلیل حساب باز کرده اند که اگر چند نفر از عوامل منفور رژیم کشته شوند و فضای جامعه نظامی بشود عرصه مبارزات توده ای محدود و مردم از اعلام همبستگی با همدیگر کوتاه می‌آیند. میخواهند با اجرای چند ترور در منطقه حساسی مانند کردستان نشان بدهند که مخالفین رژیم دست به اسلحه برده و میدان را برای به خیابان آمدن مردم محدود کنند.

این ترورها در متن شرایطی اتفاق می افتد که نگرانی از به میدان آمدن مردم در سراسر ایران همه مخالفین جنبش اعتراضی اخیر را دستپاچه کرده است. نگران این هستند که اعتراضات توده ای جاری در همه شهرهای ایران پا به میدان

بگذارد و به خیابان بیایند.

هم رژیم و هم دیگر جریانات ضد انقلابی و مرتجع از به خیابان آمدن مردم کلافه شده‌اند. جمهوری اسلامی مردم را خس و خاشاک و عوامل خارجی مینامد. جریانات مرتجع و ضد انقلابی مردم را طرفداران یک جناح رژیم ارزیابی میکنند و تحلیلهای بی بی سی و اصلاح طلبان حکومتی اینرا به وضوح نشان میدهد. به خیابان آمدن جنبش توده ای اخیر چشم اسفندیار همه این جریانات مرتجع است. همه را به تکاپو انداخته است. هر کدام از آنها با تاکتیک و سیاست خاصی میخواهند مانع گسترش حرکات اعتراضی مردم شوند. میخواهند با هر ترفندی مانع ایجاد کنند که

مردم کردستان به جنبش اعتراضی و حق طلبانه دیگر شهرهای ایران نپیوندند.

مردم باید دوستان و دشمنان خود را در همین شرایط حساس بشناسند. کسانی که از به میدان آمدن مردم هراس دارند از هر اقدامی استفاده میکنند که مردم قدرت خود را در خیابانها نبینند. ترورهای اخیر یکی از تاکتیکهای کثیف برای ممانعت از به میدان آمدن مردم است. مردم کردستان با توجه به سابقه تاریخی مبارزات سه دهه اخیرشان و با توجه به اینکه جنبش چپ و سوسیالیستی یک جنبش قوی و اجتماعی در این جامعه است این توطئه ها را خنثی میکنند.

قطعنامه درباره انقلاب جاری ... از صفحه ۲

جنبش انقلابی حاضر در روند پیشروی و رایکالیزه شدن خود و نهایتا با جارو کردن نظام جمهوری اسلامی، تئوریهها و گرایشات ارتجاعی ای نظیر مستضعف پناهی و ضد آمریکائی گری اسلامی و همچنین دکترین نسبیته فرهنگی و انقلاب مخملی و رژیم چنچ را رسوا و بی اعتبار خواهد کرد و به اسلام سیاسی و ارتجاع میلیتاریستی غرب در سطح جهانی ضربه ای اساسی وارد خواهد آورد.

انحراف کشیدن انقلاب مردم، آلترناتیو کمونیسم کارگری یعنی انقلاب توده ای برای سرنگونی کل نظام جمهوری اسلامی با پرچم آزادی و برابری و جمهوری سوسیالیستی قرار دارد. این آلترناتیو که بوسیله حزب کمونیست کارگری نمایندگی میشود پاسخ واقعی به خواستها و آمال واقعی توده مردم ایران برای رسیدن به یک جامعه آزاد و برابر و مرفه و انسانی است.

دفتر سیاسی حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۰ سپتامبر ۲۰۰۹،

۲۹ شهریور ۱۳۸۸

ترورهای اخیر در ... از صفحه ۱

جان به در بردند.

عوامل این ترورها روشن نیست، اما بر هیچ کس پوشیده نیست که این ترورهای زنجیره ای، چه کار رژیم و دار و دسته های مختلف آن باشد، که احتمالش بسیار زیاد است، و چه کار گروههای

بی ریشه و غیرمسئول در کردستان، زمینه ایجاد فضای میلیتاریستی را فراهم میکند و به روند مبارزه و شکل گیری اعتراضات گسترده توده ای در سنندج و شهرهای دیگر کردستان لطمه میزند.

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری مردم کردستان را فرامیخواند که با گسترش اعتراضات خود و متشکل شدن

هرچه بیشتر، سیاست میلیتاریزه کردن رژیم را خنثی کنند و همگام با مردم در سراسر کشور، مبارزه برای سرنگونی رژیم جنایتکار و کثیف اسلامی را گسترش دهند.

کمیته کردستان حزب کمونیست

کارگری ایران

۲۱ سپتامبر ۲۰۰۹

۳۰ شهریور ۱۳۸۸

**یک دنیای بهتر
برنامه حزب را بخوانید
و در سطح وسیع توزیع کنید**

مصاحبه در مورد اوضاع سیاسی...
از صفحه ۱

که پای صحبت انسانهایی که از نزدیک در جریان مسائل هستند، پای صحبت ایرانیان تبعیدی بنشینیم که صدای مردم ایران را در دنیا منعکس میکنند.

مینا احدی عضو دفتر سیاسی و کمیته مرکزی حزب کمونیست کارگری ایران و مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار است.

سوال: از چه منابع و از چه طریق شما در جریان اخبار و وقایع امروز ایران قرار میگیرید.

مینا احدی: جنبش اعتراضی مردم در ایران اکنون بیش از پیش با اینترنت مربوط است و از همه امکانات ارتباطی مدرن استفاده میکنند. مردم در اعتراضات از تلفن دستی خودشان استفاده میکنند تا از وقایع از نزدیک فیلم و گزارش تهیه کرده و به شبکه اینترنت بفرستند. ما هر لحظه از طریق اینترنت و یا تلفن در جریان وقایع هستیم. علاوه بر این حزب کمونیست کارگری ایران یک شبکه تلویزیونی دارد به اسم کانال جدید که ۲۴ ساعته برنامه دارد و ما در برنامه های زنده با مردم تماس داریم و مباحثات زیادی را مستقیم با مردم به پیش میبریم. ما در این برنامه های زنده به سوالات مردم پاسخ میدیم، نظرات آنها را می شنویم و در عین حال از طریق این شبکه خبرنگاران مستقیم از خیابانها و از تظاهراتها به ما گزارش میدهند.

تفاوت بین احمدی نژاد و موسوی که به اصطلاح به عنوان رفرمیست از او نام برده میشود، در دوره قبل از انتخابات چه بود؟ به بیان دیگر سوال اینست که مردم ایران از بین چه کسانی باید "انتخاب" میکردند، و اینکه آیا شما اینرا کلاً "انتخابات" می نامید؟ تعدادی میگویند اگر موسوی هم رئیس جمهور میشد، در سیستم سیاسی ایران تغییری ایجاد نمیشد.

عظیم امروز در ایران دلایل خود را دارد که در یک کلام میتوان آنرا نارضایستی و انزجار مردم از حکومت عنوان کرد.

قبل از این به اصطلاح انتخابات چهار کاندیدای حکومتی در تلویزیون دولتی در مقابل هم قرار گرفته و جدل کردند و مردم دیدند که با چه سیستمی سرو کار دارند. این یک حکومت ضد انسانی جنایتکار و مملو از فساد و قرون وسطایی است. آنها در جدلهایشان میگفتند که چگونه صدها نفر را کشته اند و یا چگونه میلیونها دلار پول را گم و گور کرده اند و اینکه چگونه حکومت به بن بست رسیده است. بعد از مضحکه انتخاباتی وقتی خامنه ای تصمیم گرفت احمدی نژاد از صندوق بیرون بیاید، برای بسیاری از مردم دیگر این نقطه جوش بود و یک حرکت اعتراضی عظیم در خیابانها علیه حکومت آغاز شد. از نظر من این یک انقلاب علیه حکومت اسلامی است.

سوال: نقش ولی فقیه را در این مسائل چگونه ارزیابی میکنید؟

مینا احدی: حکومت اسلامی یک حکومت دیکتاتور است و نقش کلیدی در این حکومت را ولی فقیه به عهده دارد. او در مورد همه مسائل حرف آخر را میزند. او میتواند همه چیز را تغییر دهد در مورد تصمیمات مجلس اسلامی و در مورد قوه قضاییه، او بسیاری از مقامات را منصوب میکند و حق وتو کامل در مورد تصمیمات را دارد. در هر حال تصمیم گیرنده اصلی او است. موضوع اصلی اینست که فرق نمیکند که در ایران در طول سی سال گذشته چه کسی در قدرت بوده، خمینی، خامنه ای، رفسنجانی، موسوی، احمدی نژاد و یا خاتمی، ما با یک حکومت اسلامی سر و کار داشته ایم که حقوق انسانی را زیر پا له میکند. ما سی سال است که با این حکومت مبارزه میکنیم، حکومتی که ضد انسانی است و باید از طرف همه دنیا مردود اعلام شود. چیزی که متأسفانه به اندازه کافی محکوم نشده است. ما در

ایران با یک حکومت فاشیست اسلامی سرو کار داریم که باید با همین لقب و اسم نامیده شود.

سوال: در رسانه های آلمانی از "اپوزیسیون ایرانی" حرف زده میشود، چه نیروهایی را در بین اپوزیسیون جمهوری اسلامی می شناسید، و هر یک از این نیروهای اپوزیسیون به دنبال کدام اهداف هستند؟

مینا احدی: مطبوعات آلمانی با تفسیرهای خود از اوضاع ایران، مرا بشدت عصبانی میکنند. این نوع گزارش دادن از سوی رسانه های آلمانی البته امری است قدیمی. از یکطرف می بینیم یک نوع کم فروشی و یا پرده پوشی کردن وقایعی است که در ایران اتفاق می افتد، از طرف دیگر من در فعالیتهای روزانه خود در مبارزه برای حقوق انسانی بطور مثال در مقام مسئول کمیته بین المللی علیه سنگسار و یا کمیته علیه اعدام شاهد بی تفاوتی زیادی در مقابل این زخم و درد عمیق بر پیکر جامعه ایران در مدیای آلمانی هستم. بنظر میرسد این موضوع مهمی نیست که زن را بدلیل رابطه جنسی خارج از ازدواج در خیابان آورده و سنگسار میکنند... من همواره با این تصویر مشکل داشته ام که در مطبوعات آلمانی راجع به ایران مطرح میشود. چنین وانمود میشود که ایران یک کشور اسلامی است که گویی مردم ایران روسای جمهور آنجا و از جمله احمدی نژاد را انتخاب کرده اند. واقعیت اما اینست که ایران کشوری اسلامی نیست، کشوری است با یک حکومت اسلامی و یا در مورد انتخابات اینکه آنجا از انتخابات نمیتوان حرفی زد، گفته نمیشود. اینکه سی سال است در آن مملکت حکومتی بر سر کار است که مردم را وادار میکند از بین قاتلین کسی را انتخاب کنند، کسی حرفی نمیزند. در مطبوعات آلمانی موسوی را بعنوان اپوزیسیون مطرح میکنند، در حالیکه در اینجا دیگر باید از اپوزیسیون واقعی جمهوری اسلامی صحبت بشود.

اپوزیسیونی که از چپ تا راست را شامل میشود. از مذهبی ها تا سکولارها که همه فعالیت اشان در ایران ممنوع است. من به حزب کمونیست کارگری ایران تعلق دارم یا اینکه کسانی به حزب سبز در ایران تعلق دارند. هر کس میخواهد اپوزیسیون ایران را بشناسد، نیروهای مختلف را میتواند ببیند و بشناسد و این موضوع باید در خارج از ایران امری امکان پذیر باشد. این امکان الان وجود دارد البته انتظار نباید داشت که مطبوعات در آلمان اینها را منعکس کنند.

سوال: آیا موسوی بر اساس تغییراتی که در هفته های گذشته پیش آمد، از حکومت فاصله گرفته ؟

مینا احدی: من اینطور فکر نمیکنم که موسوی از حکومت اسلامی جدا شده، او البته علیه خامنه ای و احمدی نژاد خیلی تند حرف زده و علیه تقلب انتخاباتی نیز صریح حرف زده است. اینرا اما هم خود او و هم هوادارانش گفته اند که اعتراضات و این جنبش از او ناشی نشده، بلکه این مردم هستند که به خیابانها ریخته و به نوعی موسوی را دنبال خود میکشانند. مردم در خیابان شعارهایی را تکرار میکنند که موسوی با آنها موافق نیست بطور مثال آزادی و یا "حکومت ایرانی"، یعنی اینکه حکومت اسلامی نمیخواهیم. موسوی همیشه به وضوح اعلام کرده که او حکومت اسلامی و قانون اساسی این حکومت را قبول دارد و اینرا میخواهد حفظ کند. همان حکومت و قانونی که سی سال است اینهمه جنایت و اعدام و بدبختی را باعث شده است. بنا بر این واضح است که موسوی فردی است که برای نجات حکومت اسلامی به میدان آمده است. او تقلاً میکند که جنبش عظیم مردم در ایران را که میلیونها نفر به خیابان ریخته اند، دیگران به عنوان یک انقلاب نبینند. او میکوشد این جنبش اعتراضی را چنان جهت دهد که در نهایت سیستم نجات پیدا کند. من فکر میکنم اما این غیر ممکن است موسوی و خامنه ای

مصاحبه در مورد اوضاع سیاسی... از صفحه ۴

هیچ شانس نداشتند چرا که میلیونها نفر به خیابان آمده، شعار داده و دیده اند که متحدانه چه قدرتی دارند. این مردم نمیخواهند ساده به خانه برگردند. مردم در این روزها دیده اند که حکومت تعداد زیادی را در زندانها همین روزها کشت و یا مورد تجاوز قرار داد آنها میترسند که اگر پراکنده شوند و به خانه هایشان بروند، همه چیز از بد هم بدتر میشود.

چند هفته قبل در ایران ۱۲ نفر را در یک روز اعدام کردند، رییس جدید قوه قضائیه میگوید شدت عمل بخرج خواهد داد. وقتی مردم به حکومت شانس ادامه حیات بدهند این رژیم جنایات بیشتری را مرتکب خواهد شد. بهمین دلیل مردم کوتاه نمی آیند. باید یک تغییر اساسی در ایران بوجود بیاید. حکومت اسلامی باید سرنگون شود، این هدف ما است بعنوان یک حزب سیاسی و هدف من بعنوان یک فرد.

رئیس جمهور میکوشد با ربط دادن شعار آنت سمیتیستی به مسائل اجتماعی، به خودشان کمک کند، اپوزیسیون جمهوری اسلامی این فریادهای آنتی سمیتیستی را چگونه بررسی میکند؟؟

مینا احدی: این موضوع هم در ایران بسیار مورد مجادله و بررسی است. اسلام سیاسی در این کشور سی سال است که حکومت میکند. یک جنبه مهم این حکومت مبارزه و ترور علیه مردمی است که در این کشور زندگی میکنند. یک جنبه مهم دیگر این جنبش اینست که اینها بین المللی رفتار میکنند. و میکوشند در دنیا نیز نفوذ کرده و

دخالت کنند. با کمک کردن به تولد و سرپا ماندن حماس و حزب الله و غیره حکومت اسلامی میکوشد که یک نقش بسیار مهم در منطقه بازی کند. یک جنبه مهم این فعالیتها بین المللی فریادهای آنتی سمیتیستی اینها است. اسلامیت ها علیه یهودیها هستند. این فضا سازی بعضا موثر بوده و در مواردی مردم عادی را در برخی جاها علیه یهودیها به خیابان کشانده. از طرف حکومت اسلامی یک مانیفست علیه یهودیها و برای نابودی اسرائیل هست که از نظر ما این یک فراخوان غیر انسانی است. فراخوان نابودی مردمی که در اسرائیل زندگی میکنند. بدیهی است که حکومت اسرائیل زخم های زیادی به مردم فلسطین زده و ما اینرا محکوم میکنیم. ولی با توجه به فضا سازی در ایران، اپوزیسیون باید بسیار دقت کند که چه میگوید. اسلامپها میکوشند فوراً به هرکس اتیکت " طرفدار اسرائیل " بزنند و این اتیکت در جنبش اسلامی مترادف است با فتوای قتل این افراد.

حزب کمونیست کارگری ایران حزبی است که هیچگاه در مقابل این سیاست اسلامپها و حکومت اسلامی کوتاه نیامده است. بدلیل همین سیاست ما همواره مورد حملات چپهای سنتی نیز بوده ایم. موضع ما اینست که در تنش بین اسرائیل و فلسطین باید یک راه حل عاقلانه پیدا کرد که به نفع هر دو طرف باشد. اگر دو طرف به توافق نرسند، نتیجه همواره اینست که تا آنجا که جنبش اسلامی مربوط است، جنبش اسلامی قویتر میشود و تاثیراتش بر فلسطین بیشتر میشود.

ما معتقدیم باید سیاست ضد انسانی و اگرسیو دولت اسرائیل را محکوم کرد و در عین حال معتقدیم که این محکوم کردن باید شامل حماس و حزب الله نیز بشود. بطور مثال بمب بخود بستن و منفجر کردن خود و دیگران، تاثیرات زیادی دارد و اینهم باید پایان یابد. ما شدت علیه فراخوانهای احمدی نژاد هستیم که نابودی اسرائیل را میخواهد. باید دو کشور سکولار در آنجا تشکیل شود. این یک راه حل واقعی است. فکر میکنید که سیستم فعلی ایران ابدا شانس دارد، یا اینکه مسئله اینست که مردم در ایران علیرغم تهدیدات حکومتی، ابراز انزجار خود را باز به خیابانها کشانده و برگشت نمیکنند.

مینا احدی: من جواب این سوال را قبلا هم دادم. برای من مهم است بگویم که در ایران یک جنبش سکولار وجود دارد. ما در دنیایی زندگی میکنیم که انقلاب همواره به نوعی با علامت سوال مواجه بوده است. سرمایه داران سعی میکنند، به مردم حقنه کنند، دنیای دیگر و بهتری متصور نیست. همین است که هست و میکوشند انقلاب را با خشونت تداعی کنند. من به نسلی تعلق دارم که علیه حکومت شاه انقلاب کرد. ما همواره می شنیدیم که انقلاب غلط است و بجای خیابان رفتن در خانه ها بنشینید و زندگی کنید. در ایران ما الان یک انقلاب را شاهد هستیم این حرکت به مردم دنیا نشان داد که انقلاب امکان پذیر است. نشان داد که انقلاب با خشونت نباید تداعی شود. خشونت از سوی حاکمین و صاحبان سیستم است.

چگونه توضیح میدید که درد و رنج مرد ایران از طرف چپها در اینجا چنین ایگنور میشود؟

مینا احدی: آنچه که حزب چپ و یا حزب سبز در آلمان میگویند و انجام میدهد، شدت قابل انتقاد است. بسیاری از تحولات در ایران در سی سال گذشته از طرف اینها به راحتی به فراموشی سپرده شده. در مورد حزب چپ باید بگویم علت این موضعگیریهای آنها وجود یک آنتی امپریالیسم اشتباه فهمیده شده، باعث این امر است. احمدی نژاد را بعنوان سمبل آنتی امپریالیسم، معرفی میکنند. وقتی احمدی نژاد در سازمان ملل در مورد " مبارزه علیه امپریالیسم " حرف میزند اینها آب دهانشان روان میشود. از سوی دیگر همین چپ در مورد خشونت وحشیانه اینها علیه مردم و علیه زنان بطور مثال علیه سنگسار زنان، علیه ازدواج اجباری و یا حجاب جباری و قتل ناموسی سکوت میکند. از بیست سال قبل من میکوشم با چپها در آلمان در مورد این سیاست غلط آنها بحث و جدل میکنم آنها بیدار نشدند. در سیاست آلمان اینها هم حضور و نفوذ داشته اند. تا آنجا که به چپ برمیگردد، بنظر من چپ در این موارد بسیار اشتباه کرده و مورد نقد است.

بنظر شما باید نهادهای بین المللی علیه ایران فشار بیاورند اگر آری آیا باید این فشار سیاسی باشد و یا اینکه شما طرفدار تحریم اقتصادی نیز هستید در این مورد بسیاری نگران هستند که مردم قربانی شوند.

مینا احدی: بنظر من نهادهای بین المللی و یا دولتها میتوانند در همه جا بر علیه حکومت اسلامی وارد عمل شوند. بنظر من این نهادها همیشه دو قدم پشت سر مردم ایران حرکت کرده اند. مردم الان در خیابانها هستند و شعار

میدهند، " جمهوری اسلامی نمیخواهیم " و دولتهای اروپایی هنوز هم بحث میکنند چه باید کرد و سیاست درست چیست. اینها نمیخواهند مردم را کمک کنند. بنظر من اما هر کس میتواند کاری بکند. در سراسر جهان این روزها تظاهرات علیه حکومت اسلامی بود. هزاران نفر در خارج از ایران نیز در خیابان بودند. در اروپا ما میتوانیم و باید دولتهای اروپایی را زیر فشار بگذاریم و همچنین موسساتی که با ایران داد و ستد میکنند، را نیز تحت فشار بگذاریم. از نظر من باید سفارتخانه های جمهوری اسلامی را ببندند و باید همزمان توضیح داده شود که حکومت اسلامی ایران مشروعیت ندارد. حزب ما خواهان تحریم دیپلماتیک و ایزوله کردن جمهوری اسلامی ایران است. ما علیه تحریم اقتصادی هستیم چرا که تحریم اقتصادی رنج و درد بیشتری را برای مردم باعث میشود. ما در عراق دیدیم که تحریم اقتصادی آنجا زندگی بسیاری از کودکان را قربانی گرفت و انسانهای زیادی بدلیل تحریم تحت فشار قرار گرفتند، تحریم اقتصادی در وهله اول علیه مردم است. بهمین دلیل ما طرفدار منزوی کردن و تحریم سیاسی و دیپلماتیک هستیم.

چه نقشی ایرانیان تبعیدی در این مسائل دارند.

مینا احدی: در ایران ما با یک انقلاب مواجه هستیم و در دفاع از این مبارزات در دنیا نیز هزاران نفر به خیابان رفتند. این اتفاق خیلی سریع پیش رفت. من سالهای سال است که در خارج از ایران میتینگ و تظاهرات سازمان میدهم و ما در نهایت صدها نفر را به خیابان می

صفحه ۶



سعید رستمی از کارگران دستگیر شده در اول ماه مه تهران از زندان آزاد شد

سعید رستمی کارگر مهاجر افغانی که در مراسم اول ماه مه امسال در پارک لاله به همراه حدود ۱۵۰ نفر دیگر دستگیر شده بود امروز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه ساعت ۳۰/۱۴ پس از تحمل چهار و نیم ماه حبس از زندان آزاد شد. بازپرس شعبه ۲ امنیت ابتدا برای وی به اتهام اقدام علیه امنیت ملی قرار وثیقه صد میلیون تومانی صادر کرده بود که پس از اعزام وی

به دادگاه و اظهارات سعید مبنی بر اینکه تبعه کشور افغانستان است و کارت اقامت ندارد دادگاه شعبه ۲ امنیت، پرونده وی را به دادسرای بعثت فرستاد و سعید رستمی تا رسیدگی این دادگاه به وضعیت وی در چهارشنبه ۱۸ شهریور ماه که حکم آزادی وی را صادر کرد بصورت بلا تکلیف در زندان ماند. پس از صدور حکم آزادی سعید رستمی در ۱۸ شهریور،

وی روز شنبه ۲۱ شهریور ماه در حالی که با حکم آزادی قاضی دادسرای بعثت در حال خروج از زندان بود، افسر نگهبان درب خروجی زندان اوین با اعلام اینکه شما باید از ایران اخراج بشوی، وی را مجدداً به زندان بازگرداند و روز یکشنبه ۲۲ شهریور ماه بار دیگر وی را به دادسرای بعثت اعزام کردند و از همانجا سعید رستمی را جهت اخراج از ایران به کمپ فرستادند که مسئولین کمپ از پذیرش وی خودداری کرده و بار دیگر سعید به زندان اوین عودت داده شد تا اینکه امروز چهارشنبه ۲۵ شهریور ماه

سعید رستمی را صمیمانه به خانواده و دوستان سعید تبریک میگوید و با ابراز خرسندی از عدم دیپورت سعید رستمی، بدینوسیله همبستگی خود را با کارگران مهاجر افغانی در مبارزه برای رفع تبعیض از آنان و برخورداری این کارگران از حقوق شهروندی در ایران اعلام میدارد و در این راه خود را متحد کارگران مهاجر افغانی میداند.

زنده باد همبستگی
بین المللی طبقه کارگر
اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۵ شهریور ماه ۸۸

کارفرمای کارخانه پریس نهای توقیف شده برای پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران را به فروش رسانده است

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران دادگاه اجرای احکام شهر سمنان بر اساس حکم دیوان عدالت اداری در مورخه ۶/۵/۸۸ دو تن نخ تولیدی شرکت پریس را جهت پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران توقیف کرد و قرار شد این نخها برای پرداخت دستمزدهای کارگران بفروش برسد.

هستند.

بنا بر این گزارش در ادامه شکایت و پیگیری کارگران، قاضی دادگاه، بازرسی را جهت معلوم شدن صحت و سقم مسئله به کارخانه اعزام کرد و بازرس مزبور با بازرسی از کارخانه طی صورتجلسه ای اعلام کرد هیچ نخي در کارخانه وجود ندارد به همین دلیل قاضی دادگاه از

آنجا که این نخها توسط مامور اجرای احکام قبلا مشاهده و توقیف شده بود مدیر کارخانه را به اتهام خیانت در امانت احضار کرد و قرار است یازدهم مهر ماه مدیر کارخانه در این رابطه دادگاهی بشود. از سوی دیگر بنا بر گزارشهای رسیده بر اساس توافقات صورت گرفته با کارگران پریس برای اجرای حکم دیوان عدالت، کارفرما و مسئولین استانداری با اعمال فشار بر کارگران و بر خلاف رای دیوان عدالت تا کنون ۶ نفر از این کارگران

را با قرارداد سه ماهه بر سر کار بازگردانده اند و قرار است بقیه کارگران را نیز بتدریج با این نوع قرار داد بر سر کارهای خود بازگردانند و کارفرما سایر مطالبات معوقه این کارگران را (به استثنای مبلغی که با نخ توقیف شده قرار است به کارگران پرداخت شود) هنگام پرداخت دستمزد ماهیانه در هر ماه بتدریج پرداخت کند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران
۲۴ شهریور ماه ۸۸

مصاحبه در مورد اوضاع سیاسی...

از صفحه ۵

آوردیم. در این حرکت هزاران نفر به خیابان آمدند. چیزی که بسیار جالب است. من فکر میکنم ما باید بتوانیم حتی بیش از اینها مردم را به خیابان بیاوریم وقتی هزاران نفر به خیابان آمده و خواهان انجام کارهایی علیه حکومت اسلامی بشوند، این فشار میتواند هم به دولتهای اروپایی و یا کانادا و امریکا منتقل شود. از نظر من این فشار بسیار مهم است. ایران و گذشته و سرنوشت این کشور با خارج کشور بسیار مربوط و وصل است. من فکر میکنم دولت آلمان مثلاً نقش جدی در ایران بازی میکند. ما بهمین دلیل باید در آلمان به خیابان

حقایق در ایران را ببینند. مردم ایران در قرن بیست و یک میخواهند آزاد باشند، زنان در ایران خواهان آزادی هستند و نمیخواهند به دلیل سکس سنگسار شوند. آیا آنجلا معکل میتواند در مورد این مسائل واضح حرف بزند و یا اینکه سکوت میکند؟

من بارها در برلین به پارلمان رفته و دورانی که یوشکا فیشر وزیر امور خارجه آلمان بود، من علیه او سخنرانی تندی کردم، وزارت امور خارجه به این حمله انتقادی من پاسخ داد، این پاسخ را رسانه های آلمانی منعکس کردند و فیشر گفت که من در پشت درهای بسته با حکومت ایران در مورد سنگسار حرف زده ام، اما آقای فیشر و همه کسانی که امروز در پارلمان آلمان نشسته اند، چه چیزی را علیه این جنایات انجام دادند، علیه سنگسار

در خیابان هستند. من بشدت منتقد سیاست دولت آلمان در مورد ایران هستم. من فکر میکنم این کمک زیادی نیست اگر یکباره مرکل متوجه میشد که احمدی نژاد آدم درستی نیست. سفارتخانه های این حکومت تروریست باید بسته شود این يك گام درست و موثر خواهد بود نه فقط در آلمان. بلکه در همه جا.

توضیح: این گفتگو در اوایل ماه سپتامبر در شهر برلین انجام شده و گفتگویی است از طرف سازمان آنتی فاشیست آلمان برای نشریه این سازمان با مینا احدی و کاظم موسوی از حزب سبز ایران. ما در اینجا صحبت های مینا احدی را ترجمه کرده ایم.

زنان چه کردند؟ صحبت درگوشی و صحبت پشت درهای بسته و "دیالوگ انتقادی" ابدا کمکی نکرد. اینها و از جمله دیالوگ انتقادی، پوششی بود برای همکاری با حکومت اسلامی ایران. من ۱۸ ساله بودم که اولین سنگسار را دیدم، آنزمان گفتم اگر دنیا بداند، که در اینجا با زنان چه میکنند، ساعتها از حرکت باز خواهند ایستاد، این تحقیر و بی حرمتی مطلق به زنان بی پاسخ نمی ماند. اما دنیا پاسخ محکمی به اینها نداد.

دولت آلمان با حکومت اسلامی ایران روابط حسنه ای دارد و به این معنا نفوذ زیادی دارد. من همواره از خود میپرسم علیه اینهمه جنایت و قتل، این سیاستمداران چه کردند؟ چرا هیچ نمیگویند و چرا امروز چیزی نمیگویند. وقتی مردم

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!